

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@afgazad.com

Literary - Cultural

ادبی - فرهنگی

میر حسین مهدوی

تفاوت نقد و قضاوت های اخلاقی

نقد یا نگاه دیگر گونه به مسایل مختلف هم با اهداف خاصی ارائه می شود و هم خصوصیت های ذاتی خود را دارد. نقد چه ادبی باشد و یا سیاسی-فرهنگی-اجتماعی، تنها زمانی می تواند نقد باشد که دارای ویژگی خاصی بوده و هدف مشخصی را تعقیب نماید. با بررسی اهداف و ویژگی های خاص نقد، این امکان فراهم می شود که مرز بین نقد و اهانت تعیین شود.

تعریف:

نقد عبارت است از نمایاندن خوبی ها و کاستی های یک اثر یا یک پدیده اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و یا ادبی. به عبارت روشن تر، نقد عبارت است از ارائه یک تصویر بزرگتر از نقطه های تاریک، کم نما یا مهجور و نیز نکته ها و بخش های روشن و احتمالاً منحصر به فرد یک اثر. به میزانی که این تصویر شفاف تر، واقعی تر و بزرگتر باشد نقد نیز خوب تر و با ارزش تر خواهد بود. بناء بر این منتقد کسی است که تن به داوری یک بازی هنری-فرهنگی یا سیاسی-اجتماعی می دهد بدون اینکه رسماً به عنوان داور منصوب یا برگزیده گردیده و بازی را داوری می کند که در آن عموماً رقابت ها یک جانبه و یک طرفه است.

الف - ویژگی های خاص:

۱- نقد یک رویکرد حرفه ئی به مسایل است. کسی می تواند مسأله، موضوع و یا اثری را نقد کند که اشراف علمی و یا تجربی کافی در مورد آن مسأله، موضوع و یا اثر داشته باشد. مراد از اشراف علمی اطلاعات عمومی در مورد یک مسأله نیست. برای آفرینش یک اثر ممکن است که اطلاعات عمومی در مورد یک موضوع کافی باشد اما برای داوری به اطلاعات و معلومات دست اول، دقیق و شفاف ضرورت است که بتواند جزئیات یک اثر را به روشنی تشریح کند.

۲- نقد یک رویکرد تفصیلی است. هنر با اجمال زاده می شود اما با تفصیل نقد می گردد. عبور از کلی گویی و رسیدن به یک ساختار جزئی نگر و جزگرا خصلت هنر مدرن است. اصلاً کار نقد تشریح و "شرح" است و شرح یک پدیده جز با " ذره بین گرایی" میسر نیست.

۳- نقد نوعی داوری است درست به همین دلیل هم باید بیطرفانه باشد. شباهت نقد و داوری هم به دلیل صدور نوعی " اجتهاد" حرفه ای است و هم به دلیل اینکه در هر رقابتی، مثلاً رقابت های ورزشی، داور باید هر دو بازیگر را به یک چشم دیده و از هر عملی که به نوعی جانب داری بینجامد اجتناب نماید. اما داوری در مسایل سیاسی- اجتماعی و ادبی-فرهنگی دارای پیچیدگی های خاصی است. یکی از این پیچیدگی ها حفظ بیطرفی است علی رغم بیطرف نبودن. هر کسی به جامعه ای تعلق دارد و این تعلق ساده ده ها تعلق دیگر را به همراه دارد. تعلق زبانی، خونی، خاکی، قومی و ... اما در داوری باید تمامی این تعلقات به کناری نهاده شود و به عنوان یک انسان کاملاً بی تعلق عمل شود. البته که کنار نهادن تمامی تعلقات کاری نزدیک به محال است اما نکشاندن پای این تعلقات و وابستگی ها به عمل "داوری" کاری است میسر و لازم.

۴- نقد یک عمل کاملاً حرفه ای و تخصصی است. به این معنی که نقد نه تبیین نظریات شخصی است و نه می تواند حاوی توصیه های فردی باشد. توصیه ها و نظریات شخصی باید به شکل کاملاً مستقل از نقد عنوان شود. نقد عبارت است از باز- تعریف یک اثر با تکیه به دانش و تخصص. برای روشن شدن تفاوت بین نقد و اظهار نظر شخصی به یک مثال بسنده می کنم. اگر کسی به من بگوید: "تو آدم خیلی بدی هستی"، " تو دروغ گو هستی"، " قیافه تو خیلی زشت است"، " تو مسلمان نیستی" و... این جملات توصیفی همگی نظریات شخصی بوده که برخاسته از تعاملات "اخلاق فردی" گوینده بوده و نقد به حساب نمی آید. به همین ترتیب اگر کسی بگوید: "اسلام یک دین ضد زن است" یا " تمام مصیبت های ما از اسلام ناشی می شود" و یا " عرب ها عامل اصلی عقب مانی جامعه افغانستان هستند" تمام این تعبیر ها نه نقد که "قضایات اخلاقی" به حساب می آیند. جامعه یک پدیده پیچیده است و بررسی عوامل شکوفایی و یا عقب ماندگی اش نیاز به یک بررسی علمی دقیق و موشکافانه دارد. با بیان های کلی و شعار زدگی نمی توان به نقد جامعه رفت.

ب- اهداف:

۱- نخستین هدف برای نقد یک اثر و یا یک پدیده، رشد و پرورش آن است. منتقد به عنوان یک داور بیطرف، پیشنهادات خود را برای " اصلاح" و " ترمیم" اثر به آفرینش گر آن ارائه می کند. آفرینش گر نیز نقد را نه به عنوان " لبریکته های یک حسود" بلکه " اندرز های یک خرد مرد" می بیند و می پذیرد. منتقد با هدف اصلاح و باز پروری اثر یا پدیده اجتماعی- سیاسی به " اندرز های علمی" می پردازد.

۲- ایجاد مرز بین آثار زیبا و نا زیبا:

نقد می تواند مرز بین شعر و نا شعر، زیبا و نا زیبا، اثری هنرمندانه و تقلیدی را ترسیم کند. به میزانی که نقد علمی و بیطرفانه باشد ترسیم این مرز ها آسان تر و عملی تر خواهد بود.

۳- نقد با هدف گفتگو صورت می گیرد. اصلاً یکی از اهداف اساسی نقد نیز همین است. ترویج گفتگو و توسعه تبادل دانش و تجربه و انتقال مسالمت آمیز و سالم آن به همدیگر. به عبارت دیگر، حضور و بالندگی نقد ثابت می کند که هیچ کسی کامل نیست. ما می توانیم به همدیگر کمک کنیم تا آثار هنری ما از عیب کمتری برخوردار باشد. شما خوب تر می توانید عیب کار مرا ببینید و من خوب تر می توانم نقایص کار شما را دریابم در صورتی که شما فقط با هدف عیب جویی و من تنها با انگیزه نقص نمایی شما همدیگر را نقد نکنیم.

متأسفانه بسیاری از نوشته های ما که صرفاً می توانند نظریات شخصی ما باشند عنوان نقد را به خود گرفته باعث آشفته تر شدن فضای ملتهب سیاسی- اجتماعی جامعه ما می گردد. البته که آزادی بیان هم شامل اظهار نظرهای شخصی می گردد و هم نقد اما حوزه این دو باید مشخص باشد. مدتی است که جنگ های خونین سال های گذشته به شکلی دگر و با اهداف دیگری وارد حوزه فرهنگ و اندیشه گردیده و عده ای می خواهند و با ایجاد گرد و خاک در بستر فرهنگ جامعه غبار به چشم اغیار بپاشند، غافل از اینکه این غبار به چشم همه خواهد رفت.

آشفته گی بازار نقد و اظهار نظرهای شخصی به حدی است که باید از طرف های نا معلوم درگیر خواست تا مدتی را آتش بس یک جانبه اعلام کرده و بگذارند که عده ای در صحن ادبیات و فرهنگ نفسی به راحتی بکشند.